



شهردار خبر داد:

۲۵ اتوبوس برقی ۱۲ متری

در راه تبریز

در صفحه ۸

سه‌شنبه ۲۷ آبان ماه ۱۴۰۴ سال نوزدهم شماره ۳۴۴۵ قیمت ۵۰۰۰ تومان

۲ گزارش

بررسی هزینه‌های پنهان جنگ رژیم صهیونیستی با حماس؛

تل آویو در گرداب بحران‌های

داخلی و بین‌المللی

طرح نو؛ سردبیر

در پی جنگ ویرانگر غزه، رژیم صهیونیستی اگرچه خود را پیروز میدان نبرد می‌داند، اما اکنون با پیامدهایی مواجه شده که هیچ سلاحی توان مهار آن را ندارد. بر اساس تحلیل‌های روزنامه اکونومیست، هزینه‌های این جنگ فراتر از تلفات نظامی بوده و به موج مهاجرت نخبگان، فرسایش نیروهای ذخیره، بحران روانی در جامعه، شکاف‌های سیاسی عمیق و فشارهای بین‌المللی منجر شده است. این بحران‌ها، آینده امنیتی و سیاسی اسرائیل را مبهم‌تر از همیشه کرده است. در این گزارش کوتاه به برخی از هزینه‌های پنهان جنگ رژیم با حماس، که دامنگیر ساکنان سرزمین‌های اشغالی شده، می‌پردازیم.

شکاف سیاسی و بحران مشروعیت داخلی

بر اساس تحلیل کارشناسان سیاسی، جنگ غزه و تحولات پس از آن، یکی از نزدیک‌ترین اتحادهای جهان یعنی رابطه آمریکا و رژیم اسرائیل را وارد بحرانی بی‌سابقه کرده است. شکاف سیاسی و اجتماعی در واشنگتن و تغییر نگرش نسل‌های جوان‌تر، آینده این رابطه استراتژیک را نامطمئن کرده است.

حتی جریان راست‌گرای آمریکا نیز نسبت به حمایت بر قید و شرط از تل آویو تجدید نظر کرده‌اند. به طوری که مارجوری تیور گرین، از متحدان دونالد ترامپ، اخیراً با لحنی کم سابقه از این سیاست انتقاد کرده است.

بر اساس تحلیل‌های اندیشکده‌های اروپایی، رژیم اسرائیل با گرایش به سمت راست افراطی، سیاست‌های گسترش شهرک‌سازی و مقاومت در برابر استقلال...

طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

سرمقاله

۲

آناتولی،

پناهگاه زبان فارسی

در قرن هفتم

طرح نو؛ سردبیر

حمله ویرانگر مغول در نیمه اول قرن هفتم هجری قمری (سده سیزدهم میلادی)، نه تنها ساختار سیاسی ایران را متلاشی ساخت، بلکه موجی از مهاجرت نخبگان فکری، علمی و ادبی را به سوی مرزهای شرقی و غربی جهان اسلام به راه انداخت. در این میان، قلمرو روم (آناتولی - ترکیه امروزی)، که تحت سلطه سلجوقیان روم قرار داشت، به مثابه یک «پناهگاه استراتژیک» و «گستره جغرافیایی امن» برای بقای میراث فرهنگی ایران عمل کرد.

د این سرمقاله کوتاه به بررسی چرایی تبدیل شدن آناتولی به کانون اصلی تصوف و شکوفایی شعر سیاسی فارسی خواهم پرداخت؛ تحولی که در آن، غزل‌سرایی عارفانه به ابزاری برای نقد قدرت و حفظ هویت ایرانی در تبعید تبدیل شد....

گزارش

۶

بررسی شایع‌ترین اختلالات روانی دانش‌آموزان در گروه اجتماعی طرح نو؛

نیاز جدی ۱۰ درصد دانش‌آموزان

به خدمات روانشناختی

ورزش

۳

با مروری بر ملی پوشان ازبکستانی شاغل در لیگ ایران؛

ایران - ازبکستان؛

رقابتی آرام اما عمیق در فوتبال آسیا



از هم‌پیمانی تا نبرد سرد

انکارا و تل آویو در آینه قدرت و تهدید متقابل

در صفحه ۲

مادر، زایش ایمان و اقتدار است

درنگی بر گفت‌وگوی فاطمه امیرمجاهدی، پژوهشگر قرآن، درباره مادری در آینه سیره فاطمی

ممکن نیست؛ زنی که در برابر انحراف ایستاد تا پیام نبوی ابتر نماند.

شهادت یک مادر، اعتراض به عافیت‌طلبی امروز

به گفته‌ی امیرمجاهدی، امروز هم روح آن شهادت زنده است؛ وقتی رفاه‌زدگی و شهرت‌طلبی، فداکاری را خاموش می‌کند، نام فاطمه دوباره ما را بیدار می‌کند.»

او یادآور شد: فداکاری در سیره‌ی فاطمی به معنای حضور آگاهانه زن در دفاع از ارزش‌ها، نه صرفاً مظلومیت یا کناره‌گیری است.

زن مؤمن، ستون تمدن امید

امیرمجاهدی اظهار کرد: الگوی حضرت زهرا تعادل است؛ همسر، مادر و کنشگر اجتماعی در یک تراز ایمان. اگر زنان ما این تعادل را بیاموزند، جامعه دوباره برخیزد. او افزود: بازسازی تمدن اسلامی از خانه آغاز می‌شود، از زنانی که میان عشق و آگاهی تعارض نمی‌بینند.

رسانه و چهره نوبین زن ایرانی

او با اشاره به نقش رسانه‌ها گفت: اگر روایت فاطمی درست بازگو شود، چهره زن ایرانی دگرگون خواهد شد. زن در فاطمیه، نه حاشیه‌نشین است نه بت تجمل؛ محور فرهنگ است.

الگوی جاودان برای نسل جوان

امیرمجاهدی با درنگی عاطفی بر یکی از باشکوه‌ترین لحظات تاریخ گفت: اگر بخوایم زبانت‌ترین و والاترین تصویر از حضرت زهرا (س) انتخاب کنیم، بی‌تردید همان صحنه‌ی کوچکی است؛ وقتی بانویی با چادری و قامتی سوخته، در برابر انصار ایستاد تا از حقیقت ولایت دفاع کند.

او افزود: حادثه کوچکی تنها یک مصیبت شخصی نبود، بلکه جلوه‌ای از بزرگ‌ترین درس تاریخ بود؛ جایی که زن در میان سکوت مردان، مسئولیت دفاع از امام زمان خود را بر دوش گرفت. آنجا که آفتاب ولایت در حصر جهل فرو می‌رفت، حضرت زهرا (س) با صدایی ملایم اما استوار، حریم ایمان را احیا کرد.

به گفته‌ی این کارشناس علوم قرآنی، آن چادر سوخته نشانه‌ی یک زخم نیست، بلکه پرچمی است که بر فراز تاریخ برافراشته ماند؛ پرچمی زنی که در اوج رنج، از مسیر عقل و ایمان، مفهوم مقاومت را معنا کرد.

او تأکید کرد: حضرت زهرا (س) از کوچکی تا مسجد، راهی را پیموه که هیچ شمشیری نتوانست خاموشش کند. آن خطبه، صدایی است که هنوز وجدان انسان معاصر را صدا می‌زند.

وی یادآور می‌شود: در دل هر مادر، نیرویی نهفته است برای پاسداری از حقیقت حتی در برابر طوفان ناسپاسی تاریخ است.

ریشه‌های سه‌گانه هویت در سیره فاطمی

این پژوهشگر علوم قرآنی بیان داشت: هویت فاطمی بر سه پایه استوار است: ایمان، تربیت و ایثار ایمان جهت می‌دهد، تربیت امتداد می‌سازد و ایثار جاودانگی می‌آورد. هر جامعه‌ای که این سه را در زناش زنده نگه دارد، فرو نمی‌باشد.

بازتاب الگوی فاطمی

در روزگار جنگ و بیداری اجتماعی

فاطمه امیرمجاهدی با اشاره به جنگ ۱۲ روره گفت: جامعه ما سال‌ها میان رفاه و مسئولیت در نوسان بود. مردم، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، به‌نوعی بی‌زاری از سختی و درگیری رسیده بودند؛ گویی ترجیح می‌دادند فقط در آسایش زندگی کنند. اما در جریان جنگ ۱۲ روزه، نخوت و سکون جامعه شکست؛ دل‌ها تکان خورد و مادران، پیش از همه، دوباره به صحنه احساس مسئولیت بازگشتند.

این کارشناس علوم قرآنی افزود: الگوی فاطمی دقیقاً همین نقطه بیداری است. همان‌طور که در صدر اسلام، حضرت زهرا (سلام الله علیها) وقت عافیت‌طلبی مردم، برخاست و از ولایت دفاع کرد، امروز نیز شاهدیم که زنان مسلمان چه در ایران، چه در فلسطین در برابر ظلم ایستاده‌اند. مادر بودن در اینجا معنای تازه‌ای می‌گیرد؛ یعنی مادری که فقط پرورش‌دهنده نیست، بلکه پاسدار ایمان جمعی است.

او ادامه داد: در جامعه امروز، مادر همان کسی است که با دلسوزی‌اش فرزند را به مقاومت می‌کشانند. وقتی مادر در خانه با صبر خود، آرامش را نهاده می‌کند، در واقع دارد تداوم مقاومت را آموزش می‌دهد. کودکی که در آغوش مهر او صبر را می‌آموزد، در بزرگسالی در میان نبرد و عدالت اجتماعی ایستاده‌تر است.

امیرمجاهدی در این بخش از گفت‌وگو تأکید کرد: فهم شهادت زنان در عصر ما از زهرای اطهر تا مادران شهید امروز یعنی فهم پویایی ایمان در قالب زنانه، زن شهیده جلوه‌ای از حیات ابدی است؛ او در برابر هیاهوی مصرف‌زدگی، معنا را زنده کرده است. همان‌طور که حضرت زهرا (س) با عافیت‌طلبی جامعه خود مقابله کرد، زنان امروز نیز باید همان پیام را در عصر رسانه و بحران معنا بازتاب دهند.

او نتیجه گرفت: جنگ ۱۲ روزه برای بسیاری از مردم جهان، شاید نزامی سیاسی بود، اما برای زن مؤمن، میعادگاه شناخت دوباره مسئولیت بود. دیدیم که مادری ایرانی پیکر فرزندش را برمی‌داشت و لبخند می‌زد؛ این همان ایمان فاطمی است، ایمان زنی که می‌داند مرگ در راه حقیقت، استعمار حیات اوست.

در پایان افزود: مادران ایرانی نیز باید بدانند که همین روحیه در وجودشان هست. این صبر، این احساس مسئولیت، همان سرمایه‌ای است که جامعه را در سختی‌ها نگاه می‌دارد. هرگاه مادری دست بر قلبش گذاشت و گفت: "من تسلیم مشیت الهی‌ام"، در واقع بخش کوچکی از همان صبر فاطمی را زنده کرد.

تحلیل خبرنگار

در مرور سخنان فاطمه امیرمجاهدی، روشن می‌شود که او مادری را نه «نقشی سنتی»، بلکه نظامی از معنا می‌بیند؛ نظامی که در آن، زن به‌عنوان سرچشمه‌ی ایمان و پایداری، چرخه‌ی تاریخ را تداوم می‌بخشد. او در این مصاحبه نشان داد که چگونه واژه‌ی «مادر» در ذهن ایرانی، ترجمان زمینی صفت «رحمان» است و چگونه همان فرمی که کودک را در آغوش می‌پروراند، می‌تواند جامعه را در سختی‌های تاریخی نگه دارد.

چنان‌که امیرمجاهدی می‌گوید، جامعه‌ای که مادر را صرفاً به مقام عاطفه تقلیل دهد، در حقیقت ایمان خود را از درون تفک کرده است. این گزاره مادر ایرانی در میان آوار، لبخند به چراکه در روزگار سنگینی سایه فردگرایی، فداکاری و معنای ایثار بازتعریف می‌شود. در چنین وضعی، بازگشت به الگوی فاطمی، بازگشت به حقیقت زن است؛ زنی که مهر می‌زاید، اما مهرش بی‌سکون است از خانه تا تاریخ کشیده می‌شود.

او با اشاره به «جنگ ۱۲ روزه» و تکان وجدان عمومی، به درستی نشان داد که هنوز هم در جهان بی‌قرار ما، مادری ادامه مقاومت است. آنجا که مادر ایرانی در میان آوار، لبخند به آسمان می‌زند، همان روحی جاری‌ست که حضرت زهرا(سلام الله علیها) را در مدینه به میدان دفاع از ولایت کشاند. از نگاه این پژوهشگر قرآنی، زن وقتی حقیقت نقش خویش را درک کند، دیگر مخاطب تاریخ نیست؛ خود، نویسنده‌ی آن می‌شود.

برای روزنامه‌نگار امروز، بازخوانی چنین نگاه‌هایی ضرورت است. آنچه از خلال گفت‌وگو با امیرمجاهدی دریافت می‌شود، تأکیدی اخلاقی بر یک واقعیت اجتماعی است؛ تا زمانی که مادر، محور نظام ارزشی جامعه نباشد، هیچ اصلاح فرهنگی یا اقتصادی پایداری نخواهد داشت. سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران باید دوباره از خانه‌ها آغاز شود، از مکانی که هنوز بوی نام فاطمه زهرا را دارد.

امیرمجاهدی نه از مادری در مقام دردمندی، بلکه از مادری به‌مثابه مجاهدت سخن گفت؛ مجاهدتی که جبهه‌اش گاه سنگر خانه است، گلازه رسانه و تربیت اجتماعی، و گاه دفاع از حقیقت در تاریخ. او یادآور شد که ایمان فاطمی، همواره در بزنگاه‌های اجتماعی چه در قفاهت مقاومت و چه در تربیت نسل صبور و امیدوار مصداق می‌یابد.

در مجموع، این گفت‌وگو تصویری زنده از تلاقی سه واژه پیش چشم می‌گذارد: زن، مادر و شهادت؛ سه‌گانه‌ای که گسستن هر ضلع آن، فروپاشی معنا را در پی دارد. بازسازی امید چنان‌که امیرمجاهدی تأکید می‌کند تنها در پرتو مادری ممکن است که ایمان را زیست می‌کند، نه صرفاً روایت می‌کند.

طرح نو؛ زهرا ژرفی مهر

در فرهنگ ایرانی اسلامی، مادر تنها یک واژه نیست؛ تاریخ زنده‌ی مهر و مقاومت است. هر نسلی در آغوش مادر، نخستین درس عشق و ایمان را می‌آموزد؛ همان عشقی که در روزگار استقامت، از دامن خانه به میدان اجتماع سرریز می‌کند. مادری در ایران، همواره هم‌نشین تقدس بوده؛ نه از جنس احساسات صرف، بلکه آگاهی فطری از وظیفه‌ی آفرینندگی در برابر بی‌هویتی اوست. «مادر بودن» در معناشناسی ما، ادامه‌ی صفت «رحمانیت» الهی است؛ زنی که می‌بخشد، می‌پروراند و تربیت می‌کند، جلوه‌ای زمینی از رحمت خداست. در این نظام فکری، زن نه موجودی حاشیه‌ای که محور نظم اخلاقی جامعه است. او خانه را به سنگر تبدیل می‌کند و تربیت را به مقاومت پیوند می‌زند.

فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، نقطه‌ی اوج این تداوم است. اگر تاریخ را چون نهر جاری در نظر آوریم، سرچشمه‌اش مادری است که میان عشق به فرزند و دفاع از حقیقت مرزی نمی‌بیند. او نخستین مجاهدی است که مهرش، صبر می‌آفریند و صبرش، تاریخ را در می‌نورد. همین پیوند است که در روزگار ما الهام‌بخش هزاران زن و مادر ایرانی شده که نامشان در رکاب حقیقت ثبت شده است.

در جامعه امروز که صدای تبلیغ مصرف و فردگرایی گوش را آنباشته، الگوی فاطمی یادآور می‌شود؛ معنای بزرگ بودن نه در تجمل که در عمق ایمان است. مادری یعنی معنا بخشیدن به زندگی، نه تکرار روزمرگی در جهانی که بسیاری از زنان از خانه‌ی درون خویش فاصله گرفته‌اند، بازخوانی سیره‌ی فاطمی نیاز زمانه است.

از همین منظر، گفت‌وگو با فاطمه امیرمجاهدی، مربی قرآن و کارشناس علوم قرآنی، تلاشی برای بازپایی معنای مادری به عنوان ریشه‌ی هویت ایرانی اسلام است. او که سال‌ها در تربیت قرآنی کودکان و بانوان فعالیت کرده، از تجربه عینی خود در پیوند میان تربیت قرآنی، مقاومت زنانه و بازآفرینی امید سخن می‌گوید. سخنان امیرمجاهدی زاویه‌ای تازه در تحلیل فاطمیه است. مادری نه فقط نقش زیستی بلکه مأموریتی الهی تمدنی است. او با زبانی ساده اما قاطع می‌گوید جامعه‌ای که مادر را سبک بشمارد، ریشه ایمانش را می‌خشکاند. از نگاه او، نجات فرهنگی ایران از همین خانه‌ها آغاز می‌شود؛ از زنانی که هنوز با لبخند، صبر را به فرزندانشان می‌آموزند.

در ادامه، بخش‌هایی از روایت این بانوی قرآنی را می‌خوانید که مادری را از سطح احساسی به مقام معرفی آورده؛ مادری به‌مثابه ایمان، ایثار و آگاهی است.

در ناخودآگاه ایرانیان، مادر تجلی رحمت خداست

فاطمه امیرمجاهدی اظهار کرد: در ناخودآگاه فرهنگی جامعه ایرانی، «مادر» واژه‌ای مقدس است؛ حتی آنان که از دین فاصله دارند، در برابر نام مادر احترام می‌گذارند و آن را با اشک و عشق همراه می‌دانند.

به گفته‌ی وی، این تقدس ریشه در تجربه‌ی مشترک ایمان و فرهنگ دارد.

او افزود: خداوند چنان رحمتی در وجود مادر قرار داده که گویی

گزارش

با مروری بر ملی پوشان ازبکستانی شاغل در لیگ ایران؛

ایران - ازبکستان؛

رقابتی آرام اما عمیق در فوتبال آسیا



طرح‌تو؛ مریم دالانی قدیم فوتبال ایران و ازبکستان شاید مانند تقابل‌های سنتی ایران با کره جنوبی یا عربستان، سرشار از تاریخ کروی خوانی و داستان‌های حاشیه‌دار نباشد، اما یکی از مهم‌ترین، نزدیک‌ترین و تاکتیکی‌ترین رقابت‌های دو دهه اخیر در فوتبال آسیا را شکل می‌دهد. تقابلی آرام، کم‌صدا و حرفه‌ای که نتیجه‌اش همیشه تأثیر مستقیم بر مسیر هر دو تیم داشته است.

تاریخچه تقابل‌ها؛

از شطرنج تاکتیکی تا نبرد برای صعود نخستین مواجهه‌های جدی ایران و ازبکستان در دهه ۸۰ شمسی رقم خورد؛ زمانی که ازبک‌ها پس از استقلال، فوتبال خود را با ترکیب انضباط روسی و تکنیک آسیایی میانه بازسازی کردند. تقابل دو تیم از همان ابتدا نزدیک و سرنوشت‌ساز بود؛

مقدماتی جام جهانی ۲۰۰۶

ایران در تاشکند تحت فشار شدید قرار گرفت اما با گل‌های برهانی و کعبی ۱-۲ پیروز شد؛ بردی که مسیر صعود شاگردان برانکو را هموار کرد.

مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۴

فصل طلایی این رقابت؛ شکست ۱-۰ ایران در تاشکند شکست ۱-۰ ازبکستان در آزادی با اینکه ایران با کی‌روش به جام جهانی رسید، بسیاری معتقدند ازبکستان یکی از بهترین تیم‌هایی بود که از صعود بازماند.

دیدارهای تدارکاتی اخیر

در سال‌های اخیر، تقابل ایران و ازبکستان بیشتر دوستانه بوده، اما کیفیت فنی و نزدیکی سطح دو تیم باعث شده هر بازی فرصتی برای محک جدی باشد.

پیوندی عمیق‌تر؛

حضور ملی پوشان ازبکستان در لیگ ایران

یکی از دلایل رشد این رابطه فوتبالی، حضور گسترده و باکیفیت بازیکنان ازبکستانی در لیگ برتر ایران است. برخلاف برخی کشورها که صادرات بازیکنان‌شان به ایران سطحی و محدود بوده، ازبکستان طی دو دهه گذشته چندین بازیکن مهم و ملی‌پوش را به ایران فرستاد؛ بازیکنانی که هر کدام نقش خاصی در تیم‌های خود داشتند.

ستارگان بزرگ ازبکستان در لیگ ایران

سرور چاروف؛ مرد سال آسیا

هافبک دربار، بازی‌ساز و یکی از حرفه‌ای‌ترین لژیونرهای تاریخ لیگ ایران. حضور او در استقلال و سپاهان نگاه مربیان ایرانی به فوتبال ازبکستان را تغییر داد.

عادل احمدوف؛ کاپیتان سابق ازبکستان

هافبکی با شوت‌های سنگین و قدرت رهبری بالا. او در سپاهان یکی از نقطه‌های قوت خط میانی بود.

جلال‌الدین ماشارپوف؛ وینگر مدرن

بازیکنی تکنیکی، سریع و خطرناک که در سپاهان نمایش‌های درخشانی داشت و سپس به یکی از لژیونرهای برجسته غرب آسیا تبدیل شد.

عزیزیک توریوف؛ هافبک قابل اعتماد و جنگنده

در تراکتور و فولاد یکی از بهترین خارجی‌های پست خود بود؛ پرسینگ بالا، جنگندگی و نظم تاکتیکی از ویژگی‌های کلیدی‌اش بود.

خامریک خامریکوف؛ موتور خط میانی

هافبکی از نسل جدید ازبکستان؛ پراترزی، دهنده، چندپسته و با توانایی بالای پوشش‌دهی. خامریکوف برای مربیان ایرانی نمونه‌ای از تکامل فوتبال ازبکستان در سال‌های اخیر بود.

استون ارونوف؛ هافبک- مهاجم خلاق

ارونوف بازیکنی است که نقش شماره ۱۰ مدرن را ایفا می‌کند؛ خلاق، فرصت‌ساز، تکنیکی و توانمند در بازی بین خطوط. او یکی از چهره‌هایی بود که نشان داد فوتبال ازبکستان در حال تولید نسل تازه‌ای از هافبک‌های هجومی است.

ماشارپ توریوف و دیگر مدافعان ازبک

از جمله مدافعانی که با نظم و قدرت بدنی خود خط دفاع تیم‌های ایرانی را تقویت کردند.

تأثیر این لژیونرها بر فوتبال ایران

حضور بازیکنان ازبک در لیگ ایران سه نتیجه کلیدی داشته است:

۱. آشنایی با سبک آسیایی میانه

فوتبالی متکی بر نظم، قدرت بدنی، پرس هماهنگ و انتقال سریع؛ چیزی که مربیان ایرانی بعدها در بازی‌های ملی کاملاً احساس کردند.

۲. افزایش کیفیت و استاندارد حرفه‌ای لیگ

بازیکنان ازبک معمولاً بسیار حرفه‌ای، آماده و منظم بودند؛ ویژگی‌هایی که سطح تمرینات و رقابت را بالا برد.

۳. ایجاد ارتباط فوتبالی مؤثر بین دو کشور

پلی برای شناخت بهتر، همکاری‌های بیشتر و انتقال تجربیات بین دو فوتبال.

ایران و ازبکستان رقیبانی بدون تنش و در عین حال یکی از فنی‌ترین تقابل‌های فوتبال آسیا هستند.

وقتی این رقابت را کنار حضور تأثیرگذار لژیونرهای ازبک در فوتبال ایران قرار دهیم، تصویر کامل‌تری از عمق این رابطه فوتبالی نمایان می‌شود؛ رابطه‌ای که برخلاف ظاهر کم‌حاشیه‌اش، ریشه‌دار، حرفه‌ای و آینده‌دار است.

حالا این دو تیم امروز از ساعت ۱۹:۳۰ به وقت ایران در فینال تورنمنت چهارجانبه العین یک بار دیگر به مصاف هم خواهند رفت تا بار دیگر شاهد یک بازی تاکتیکی و حرفه‌ای باشیم.

خبر

برترین تالوکاران آذربایجان شرقی معرفی شدند



طرح‌تو؛ یونس نهاری با برگزاری مسابقات ووشو - تالو انتخابی استان آذربایجان شرقی نفرات برتر معرفی و تجلیل شدند. مسابقات انتخابی ووشو - تالو در ۲ بخش دختران و پسران رده های سنی نونهالان و جوانان پنجشنبه در خانه ووشو استان برگزار شد. نفرات برتر این دور از مسابقات در فرم های ذیل معرفی شدند؛ چانگ جوان خردسالان دختران

- | | |
|---|----------------------|
| حلما گرامی | حسین خردسالان دختران |
| بهارناز حقیقت نیا، داتو شو نونهالان دختران | علی خردسالان پسران |
| آیلین صدقی، جین شو جوانان دختران | علی خردسالان پسران |
| زهرا بیرامی | علی خردسالان پسران |
| حدیث نقشی، داتو شو جوانان دختران | علی خردسالان پسران |
| مهدیس نصرالهی | علی خردسالان پسران |
| حنیفا پورجعفر، تایچی شان جوانان دختران | علی خردسالان پسران |
| سلن وفایی، چانگ جوان نونهالان پسران | علی خردسالان پسران |
| ایلیا آقاجانی | علی خردسالان پسران |
| احسان قربانعلی زاده | علی خردسالان پسران |
| علی بیرامی | علی خردسالان پسران |
| علیسان بندخت، چیانگ شو نونهالان پسران | علی خردسالان پسران |
| ایلیا آقا جانی، گوئن شو نونهالان پسران | علی خردسالان پسران |
| احسان قربانعلی زاده | علی خردسالان پسران |
| علی بیرامی | علی خردسالان پسران |
| علیسان بندخت، چانگ جوان جوانان پسران | علی خردسالان پسران |
| مین سعادت | علی خردسالان پسران |
| کاوه مختاری، جین شو جوانان پسران | علی خردسالان پسران |
| مین سعادت | علی خردسالان پسران |
| امیرمحمد نوری، گوئن شو جوانان پسران | علی خردسالان پسران |
| کاوه مختاری، چیانگ شو جوانان پسران | علی خردسالان پسران |
| امیر محمد نوری | علی خردسالان پسران |
| گفتنی است، با حضور عبدالعلی ابراهیمی رئیس هیئت، | علی خردسالان پسران |
| مینا حبیب آذر نائب رئیس هیئت، شهرام شهدآور رئیس | علی خردسالان پسران |
| کمیته داوران و آقا محمدپور مسئول کمیته مسابقات هیئت | علی خردسالان پسران |
| ووشو استان و با اهدا لوح و مدال از نفرات برتر تجلیل | علی خردسالان پسران |
| بجمل آمد. | علی خردسالان پسران |



شرکت گاز استان آذربایجان شرقی

«آگهی فراخوان مناقصه»

شماره: ۱۰۹-۱۴۰۴ (نوبت اول)

شرکت گاز استان آذربایجان شرقی در نظر دارد پروژه تعمیرات شبکه تغذیه و توزیع و علمکهای (فولادی و پلی اتیلنی) و ایستگاههای شهرستان چار اویماتق را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir برگزار ، و به پیمانکار ذیصلاح واگذار نماید.

بدین منظور کلیه شرکتها و پیمانکاران ذیصلاح دارای حداقل پایه ۵ تاسیسات و تجهیزات از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و با توانایی تهیه تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار طبق آیین نامه تضمین معاملات دولتی به مبلغ -/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۲ (دو میلیارد ریال) دعوت می نماید، حداکثر تا ۱۰ روز پس از انتشار نوبت دوم این آگهی، اعلام آمادگی خود را و فرمهای تکمیل شده ارزیابی ، تصویر مدارک مذکور و مستندات مندرج در فرم ارزیابی را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ارسال نمایند. ضمناً در اسناد مناقصه توزیعی ، تاریخ تحویل پاکات و گشایش پیشنهادات قید گردیده است . مناقصه گران باید در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ثبت نام و گواهی امضای الکترونیکی را دریافت نمایند.

تلفن ۳۴۴۹۶۲۷۴ و ۰۴۱-۳۴۴۴۸۰۹۵

دورنگار ۰۴۱-۳۴۴۴۷۰۸۹

روابط عمومی

روزنامه طرح نو شناسه آگهی: ۲۰۴۸۳۶۱ م الف: ۱- تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۲۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۲۸

شرکت گاز استان آذربایجان شرقی

خبر

مسابقات همبستگی کشورهای اسلامی؛

اصغری: به دنبال خوش رنگ ترین مدال هستم



طرح‌تو؛ گروه ورزش ملی پوش تکواندو آذربایجان شرقی از آمادگی بالای خود برای ثبت بهترین عملکرد در مسابقات کشورهای اسلامی خبر داد.

حامد اصغری، ملی پوش آینده‌دار تکواندو کشورمان که سابقه کسب طلای نوجوانان جهان و طلا و نقره آسیا را در کارنامه دارد، از آخرین وضعیت آمادگی خود برای حضور در بازی‌های کشورهای اسلامی سخن گفت.

اصغری در ابتدا درباره شرایط جسمانی و تمرینی خود اظهار کرد: خدا را شکر آمادگی خوبی دارم. امروز وزن‌کشی کردم و آماده حضور در رقابت‌ها هستم.

وی درباره شناخت از رقیب گفت: زیاد از حرف‌هایم آشنایی ندارم و فقط روی کار خود تمرکز کرده‌ام و برای پیروزی در هر بازی آماده هستم.

این تکواندوکار خوش‌آبیه درباره هدفش از حضور در مسابقات تأکید کرد: به امید خدا برای کسب خوش‌رنگ‌ترین مدال می‌جنگم و تلاش می‌کنم پرچم مقدس جمهوری

اسلامی را به اهتزاز درآورده و موجب سرافرازی کشورم شوم. اصغری در پایان با قدردانی از مربیان و حامیان‌ش گفت: امیدوارم بهترین مدال را کسب کنم و باعث خوشحالی همه کسانی شوم که در این مسیر کمک کردند. از مربی‌ام استاد فلاحی‌راد هم صمیمانه تشکر می‌کنم.

شعر

امشب بیا یک سر به خواب
ماه تابان



امشب بیا یک سر به خواب ماه تابان
حالی پیرس از مادر پیرت پسر جان!
دیگر سراغ از ما نمی گیری، کجایی؟
شاید که یادت رفته قول زیر قرآن
دست تو از وقتی به دست حوریان است
کمتر می افتی یاد این داستان لرزان
تو همنشینی با جوانان بهشتی
لطفی ندارد دیدن ما سالمندان!
شرمنده ام مادر! دلم خیلی گرفته
ناراحت از حرفم نشو، رو برنگردان...
پیش سماور رو به روپایش نشسته

مادربزرگ پیر من با چشم گریان
چیزی نمی گوید ولی از چشم هایش
می شد بفهمی در اتاقش هست مهمان
دارد برایش جای می ریزد ولی او
مثل همیشه لب نخواهد زد به فنجان
عطر عجیبی خانه را پر کرده شاید
عطر گلی باشد که مانده زیر باران
شاعر: کاظم بهمنی

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی:

جامعه بدون کتاب؛ جامعه بدون حافظه است



طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی،
در آیین بزرگداشت علامه طباطبایی (ره) و روز
کتاب، کتابخوانی و کتابدار، با تأکید بر نقش محوری
کتابداران در توسعه فرهنگی گفت: کتابخانه مهم
است، چون مردم مهم‌اند، و کتابدار ارزشمند است،
چون مخاطب او عموم جامعه است.
آیین بزرگداشت علامه طباطبایی (ره) و روز
کتاب، کتابخوانی و کتابدار به همت اداره کل
کتابخانه‌های عمومی استان و با همکاری سازمان
فرهنگی، هنری و اجتماعی شهرداری تبریز، همزمان
با هفته کتاب در سالن پروین اعتصامی پردیس
فرهنگ، هنر و رسانه تبریز برگزار شد.
در این آیین، نعمت‌اله پایان، مدیرکل فرهنگ و
ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی، با گرامیداشت یاد
و مقام علامه سید محمدحسین طباطبایی (ره)،
فیلسوف برجسته و مفسر ژرف‌نگر قرآن کریم،
گفت: علامه طباطبایی با عمر پربرکت خویش
نشان داد که کتاب، اگر با تفکر و تفسیر همراه شود،
می‌تواند چراغ معرفت و عقلانیت را در جامعه
برافروزد و راهی به سوی خردورزی و هدایت
بگشاید.
وی با اشاره به اهمیت جایگاه کتابدار در نظام
فرهنگی کشور افزود: پشتوانه اصلی توسعه فرهنگی
هر جامعه، کتابداران دانا و کتابخانه‌هایی هستند که
برای عموم مردم، پنجره‌ای روشن به جهان دانش
می‌گشایند. در نظام فرهنگی ما، کتابدار تنها نگهبان
کتاب نیست، بلکه مشاور اطلاعاتی امین، راهنمای
فکری جامعه و حلقه اتصال مردم با منابع سالم
معرفت است.

پایان با تأکید بر ضرورت توانمندسازی کتابداران
بیان کرد: خوشبختانه امروز بخش بزرگی از
کتابداران کشور از تحصیلات تخصصی برخوردارند
و اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان نیز با برگزاری
دوره‌های آموزشی روزآمد، زمینه ارتقای مهارت‌های
حرفه‌ای آنان را فراهم کرده است. با این حال،
زمانی ثمره تلاش‌های نویسندگان، ناشران و فعالان
فرهنگی به بار می‌نشیند که کتابدار بتواند با ترکیب
دانش و مهارت ارتباطی، چراغ دانایی را در دل مردم
روشن کند.
مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین از
وضعیت ترجمه آثار کودک و نوجوان ابراز نگرانی
کرد و گفت: برخی از ترجمه‌های موجود در حوزه
کودک و نوجوان، به‌ویژه در آثار داستانی، از کیفیت
فرهنگی و زبانی لازم برخوردار نیستند و حتی
می‌توانند به زبان فارسی آسیب برسانند. کمبود

چاپ سوم مجموعه شعر «من هم یکی از شمایم»
منتشر شد

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
چاپ سوم مجموعه شعر «من هم یکی از شمایم»
سروده وحید عیدگاه طرهبه‌ای، با اصلاحات تازه،
ناشر جدید و طراحی جلد دوباره منتشر شد.
چاپ سوم مجموعه شعر «من هم یکی از شمایم»
سروده وحید عیدگاه طرهبه‌ای، با اصلاحات تازه،
ناشر جدید و طراحی جلد دوباره منتشر شد.

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
چاپ سوم مجموعه شعر «من هم یکی از شمایم»
سروده وحید عیدگاه طرهبه‌ای، با اصلاحات تازه،
ناشر جدید و طراحی جلد دوباره منتشر شد.
چاپ سوم مجموعه شعر «من هم یکی از شمایم»
سروده وحید عیدگاه طرهبه‌ای، با اصلاحات تازه،
ناشر جدید و طراحی جلد دوباره منتشر شد.

خبر

ارسال ۲۰۰ نمایشنامه به
جشنواره بین‌المللی
تئاتر فجر

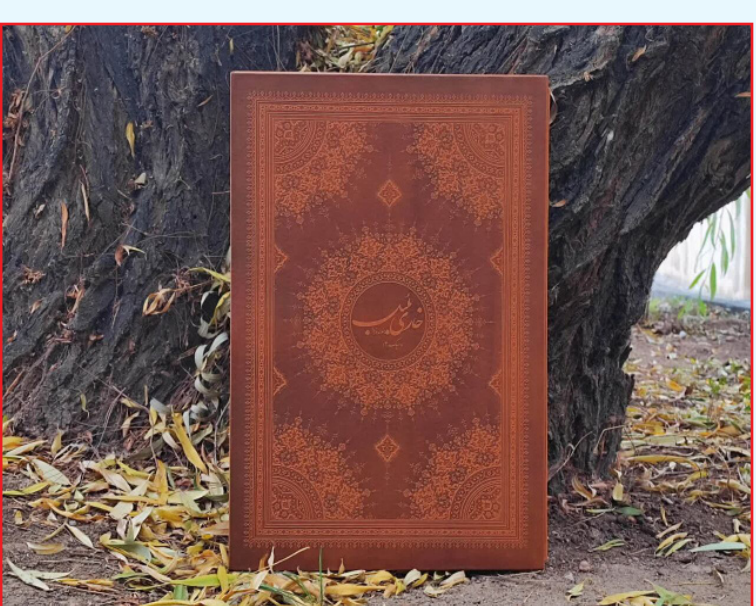


طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
دبیرخانه چهل و چهارمین جشنواره
بین‌المللی تئاتر فجر با اعلام بارگذاری ۲۰۰
نسخه نمایشنامه در سایت جشنواره، از تمدید
نشدن مهلت ثبت‌نام در این بخش خبر داد.
دبیرخانه چهل و چهارمین جشنواره بین‌المللی
تئاتر فجر از بارگذاری ۲۰۰ نسخه نمایشنامه
تاکنون توسط نمایشنامه‌نویسان سراسر کشور
برای رقابت در بخش نمایشنامه‌نویسی این
رویداد ملی و بین‌المللی خبر داد.
آخرین مهلت ارسال آثار به بخش
نمایشنامه‌نویسی که با هدف تشویق به خلق
متون نمایشی برگرفته از مضامین و بنیان‌های
فرهنگی و اجتماعی کشور و حمایت از
نمایشنامه‌نویسان ایرانی برگزار می‌شود، طبق
تاریخ اعلام شده در فراخوان چهل و چهارمین
جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر یکم آذر ماه
امسال خواهد بود.
مهلت ارسال اثر به دبیرخانه جشنواره به
هیچ عنوان تمدید نخواهد شد.
مقتضیان می‌توانند تا پایان روز شنبه (یکم
آذرماه) برای انجام فرآیند ثبت نام و بارگذاری
فایل پی‌دی اف نمایشنامه با فونت زر شماره
۱۴ به سایت جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر
مراجعه کنند.
نادر برهانی‌مرد نویسنده، مدرس و
کارگردان تئاتر مدیریت بخش نمایشنامه‌نویسی
چهل و چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر
را برعهده دارد.
محمد چرم‌شیر، حمیدرضا نعیمی و جمشید
خانیاں داوران بخش نمایشنامه‌نویسی جشنواره
بین‌المللی تئاتر فجر هستند.
چهل و چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر
فجر به دبیری سیدوحید فخر موسوی در بهمن
ماه امسال برگزار خواهد شد.

کتاب «خاری بلبل سولدوز» در تبریز منتشر شد

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
کتاب شعر «خاری بلبل سولدوز»، اثر
جدید علیرضا خیابانی، شاعر و مولف
تبریزی منتشر شد.
مضمون جدیدترین اثر علیرضا خیابانی با
عنوان «خاری بلبل سولدوز»، عشق و محبت
انسان‌ها به همدیگر در زندگی ماشینی شده
و ماشین زده امروزی است که مادیات بر
بیشتر جنبه‌های حیات اجتماعی وی سایه
افکنده است.
استاد راهنمای تهیه این اثر که در سال
جاری در قطع سلطانی در ابعاد ۳۵ در
۵۰ سانتی متر با جلد گالینگور از سوی
انتشارات «فخرآذر» تبریز چاپ شده، دکتر
پرویز محمدی می باشد.
نگارگر این اثر نیز استاد محمداقبر
آقامیری و خوشنویس اشعار آن استاد
عین‌الدین صادق‌زاده می باشد و اشعار
به صورت خوشنویسی و نگارگری در ۲۶
صفحه گالینگور به مخاطبان بازار نشر و
کتاب عرضه شده است.
علیرضا خیابانی، مؤلف کتاب «خاری
بلبل» در گفت‌وگو با خبرنگاران با اشاره به
این‌که هدف از انتشار این اثر ادای دین به
فرهنگ، هنر و ادب آذربایجان و ایران بوده
است، اظهار داشت: تلفیق هنر نگارگری که
ریشه در مکتب تبریز دارد، با اشعار ترکی
آذربایجانی در این اثر حس و حال خاصی
برای مخاطب عرضه می‌کند.
وی خاطر نشان کرد: سعی کردم اشعار
خود را در قالبی به مخاطبان فرهنگ، هنر
و ادب آذربایجان و ایران ارایه دهم که
ماندگار، اثرگذار و بدیع باشد.
علیرضا تیانی خیابانی به سال ۱۳۳۷

کتاب «خاری بلبل سولدوز» در تبریز منتشر شد



طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
کتاب شعر «خاری بلبل سولدوز»، اثر
جدید علیرضا خیابانی، شاعر و مولف
تبریزی منتشر شد.
مضمون جدیدترین اثر علیرضا خیابانی با
عنوان «خاری بلبل سولدوز»، عشق و محبت
انسان‌ها به همدیگر در زندگی ماشینی شده
و ماشین زده امروزی است که مادیات بر
بیشتر جنبه‌های حیات اجتماعی وی سایه
افکنده است.
استاد راهنمای تهیه این اثر که در سال
جاری در قطع سلطانی در ابعاد ۳۵ در
۵۰ سانتی متر با جلد گالینگور از سوی
انتشارات «فخرآذر» تبریز چاپ شده، دکتر
پرویز محمدی می باشد.
نگارگر این اثر نیز استاد محمداقبر
آقامیری و خوشنویس اشعار آن استاد
عین‌الدین صادق‌زاده می باشد و اشعار
به صورت خوشنویسی و نگارگری در ۲۶
صفحه گالینگور به مخاطبان بازار نشر و
کتاب عرضه شده است.
علیرضا خیابانی، مؤلف کتاب «خاری
بلبل» در گفت‌وگو با خبرنگاران با اشاره به
این‌که هدف از انتشار این اثر ادای دین به
فرهنگ، هنر و ادب آذربایجان و ایران بوده
است، اظهار داشت: تلفیق هنر نگارگری که
ریشه در مکتب تبریز دارد، با اشعار ترکی
آذربایجانی در این اثر حس و حال خاصی
برای مخاطب عرضه می‌کند.
وی خاطر نشان کرد: سعی کردم اشعار
خود را در قالبی به مخاطبان فرهنگ، هنر
و ادب آذربایجان و ایران ارایه دهم که
ماندگار، اثرگذار و بدیع باشد.
علیرضا تیانی خیابانی به سال ۱۳۳۷

یک نویسنده:

در «تقویم تاریک» به همه نقاط
مورد حمله در ایران اشاره کرده‌ام



طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
یک نویسنده گفت: «تقویم تاریک»
روزنوشت‌های جنگ ۱۲روزه ایران و
اسرائیل است و تلاش کرده‌ام در این اثر
به همه نقاطی که در ایران مورد حمله قرار
گرفته‌اند اشاره کنم.
میثم امیری درباره انتشار کتاب جدید
خود با عنوان «تقویم تاریک» به تشریح
روند نگارش و نگاه شخصی‌اش به روایت
جنگ ۱۲روزه ایران و اسرائیل پرداخت.
او در ابتدا درباره انگیزه آغاز نگارش این
یادداشت‌ها گفت: وقتی دیدم اسرائیل به ما
حمله کرده است، تنها سلاحی که در دست
خودم مشاهده کردم قلم و لپ‌تاپ شخصی‌ام
بود. تصمیم گرفتم تا با همین سلاح مبارزه را
شروع کنم و مشغول نوشتن شدم.
او درباره شیوه روایت و انتخاب ساختار
کتاب توضیح داد: بنای اولیه همان ثبت

همین کار نه‌چندان‌مرسوم را تکرار کرده‌ام.
این نویسنده یکی از تأثیرگذارترین
لحظات آن ۱۲روز را حضور یکی از
نزدیکانش در دل خطر توصیف کرد و گفت:
یکی از نزدیکانم در طول جنگ در دل خطر
بود اما در کتاب حتی یک کلمه درباره‌اش
ننوشته‌ام و به او اشاره‌ای نداشتم.
او درباره پیام کتاب و برداشت مخاطب
نیز اظهار کرد: مخاطبان با مطالعه این کتاب
با منابع انسانی در حوزه‌های مربوط به امور
نظامی، پدافندی و دفاعی آشنا می‌شوند.
امیری در ادامه با تأکید بر شخصی‌بودن
روایت خود افزود: بی‌طرفی در این جنگ
میزانی از بی‌انصافی را می‌طلبید که هنوز
نتوانستم به آن مقدار مجهز شوم. روایت
شخصی را قبول دارم؛ شخصی‌تر از همیشه.
حس می‌کردم اسرائیل و آمریکا به من حمله
کرده‌اند. او سخت‌ترین بخش تدوین کتاب را
ایجاد پیوستگی میان دو نوع نوشتار دانست و
گفت: ایجاد ارتباط بین وقایع‌نگاری جنگ و
یادداشت روزانه شخصی تجربه جدیدی بود
که حفظ ارتباط میان آن‌ها دشوار بود.
امیری درباره بخش‌هایی که از نوشتن
آن‌ها صرف‌نظر کرده نیز توضیح داد: یکی از
نزدیکان من در عمق خطر بود و یکی از
بستگان نسبتاً نزدیکم از جنگ فاصله گرفت.
هر دوی آنها پر از ایده‌ها و موقعیت‌های
داستانی بودند، اما ترجیح دادم آنها را نویسم
و مسیر نگارش را دشوارتر و پیچیده‌تر
انتخاب کنم.
او در پایان درباره زمان آغاز نگارش این
یادداشت‌ها گفت: بعد از پایان جنگ نگارش
را آغاز کردم و نود درصد از آنچه در طول
جنگ نوشته بودم، قابل انتشار نیست.

روایت رزمندگان آذری از آزادسازی سوسنگرد در «زیرشنی تانک‌ها»



طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر «زیرشنی تانک‌ها» شکست محاصره سوسنگرد به روایت رزمندگان آذربایجانی» توسط انتشارات «مرز و بوم» منتشر شد. ۲۶ آبان، سالروز آزادسازی سوسنگرد است. ۴۵ سال پیش در چنین روزی رزمندگان غیور این مرز و بوم از فارس و ترک و عرب و عجم به نژاد حسین زمان لیبک گفته و شهر سوسنگرد را از شر دشمن یعنی نجات دادند و در این راه شهدایی را تقدیم کردند. اب «زیرشنی تانک‌ها» به قلم رضا قلی‌زاده علیراب به شکست محاصره سوسنگرد اختصاص دارد که به روایت رزمندگان آذربایجانی است. این کتاب در ۶۵۵ صفحه و در ۵۰۰ نسخه توسط انتشارات مرز و بوم وابسته به مرکز اسناد، تحقیقات و نشر معارف دفاع مقدس به چاپ رسیده است.

حماسه سوسنگرد به روایت رزمندگان آذربایجانی، از سری کتاب‌های عملکرد رزمندگان آذربایجان شرقی در دفاع مقدس است که با شروع جنگ تحمیلی به جبهه جنوب رفتند و در برابر دشمن متجاوز صف‌آرایی کردند. این کتاب در دو بخش ترسیم مقاومت و پیروز میدان و ۱۶ فصل، بر اساس خاطرات رزمندگان جبهه سوسنگرد و اسناد و مدارک موجود مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه عاشورا تدوین یافته است.

در پشت جلد کتاب می‌خوانیم: از موضوع شکسته شدن محاصره سوسنگرد، بسیار گفته و نوشته‌اند؛ اما عمده این گفته‌ها و نوشته‌ها، مربوط به حوادث بیرونی شهر و تصمیمات و اقداماتی است که از سوی چهره‌های سیاسی و فرماندهان کلان نظامی، برای رفع حصر سوسنگرد، رخ داده است. همه جذابیت اثر پیش رو، روایت افرادی است که چندین روز و شب را در محاصره وحشتناک و در داخل شهر گذرانیده‌اند. جذابیت دیگر اثر مربوط می‌شود به توصیف نقش بی‌بدیل علی تجلایی، فرمانده شهید و شجاع دفاع مقدس. به مناسبت سالروز شکست محاصره سوسنگرد، ضمن معرفی کتاب «زیرشنی تانک‌ها» برخی از خاطرات رزمندگانی را مرور می‌کنیم که در محاصره و پیروزی این شهر حضور داشتند و از حال و هوای آن روزها می‌گویند:

یک کتاب از صدها کتاب برای این مرز و بوم

ناشر کتاب در مقدمه نوشت: نشر مرز و بوم از سال ۱۳۸۷ با رویکردی تخصصی و متمایز، در حوزه پژوهش، مستندنگاری و ترجمه، آثاری فاخر در حوزه ادبیات و تاریخ پایدار و دفاع مقدس پدید آورده است. سرلوحه مأموریت نشر مرز و بوم این جمله مقام معظم رهبری است «در زمینه ادبیات جنگ، ادبیات دفاع مقدس و کارهای هنری و کارهای ادبیاتی که روی دفاع مقدس می‌شود، باید صد برابر بشود؛ آن وقت می‌توانیم در این زمینه احساس توفیق کنیم».

نشر «مرز و بوم» معتقد است این صد برابری باید در تمام حلقات تولید آثار دفاع مقدس محقق شود؛ در شناسایی و احصای موضوعات و سوره‌های جنگ، در به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌های ملی در تولید و ارتقاء کیفیت آثار و از همه مهم‌تر، در گسترش مخاطبان این حوزه. در راستای این مأموریت، نشر مرز و بوم فعالیت‌های خود را در چند حوزه اصلی متمرکز کرده است؛ خاطرات جنگ به روایت نقش آفرینان، ادبیات جنگ، مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جنگ، جنگ به روایت دیگران و ترجمه کتاب‌های حوزه دفاع مقدس.

خاطره «ترکش» و نخستین مجروح آذربایجانی

بعد از حضور در خط مقدم جنگ (جبهه فارسیات) کلمات جدیدی را که خاص جبهه بود، مرتب می‌شنیدیم و تکرار می‌کردیم. یکی از آنها «ترکش» بود. وقتی گلوله توپ و خمپاره‌ای منفجر می‌شد، هر

کدام به ده‌ها تکه بزرگ و کوچک تقسیم می‌شدند که حتی یکی از آنها برای از پا درآوردن یک رزمنده کافی بود. کلمه ترکش، ذهن دوستان جوان ما مثل حسن عدلی و علیرضا باروقی را بدجوری به خودش مشغول کرده بود. از دوستانی که کم و بیش اطلاعاتی داشتند، می‌پرسیدند «ترکش چه نوع گلوله‌ای است که فرد را زخمی یا شهید می‌کند؟» می‌خواستند سر از کار ترکش در بیاورند. وقتی گفته‌های ما قانع‌شان نکرد، در عالم جوانی ظاهراً تصمیم می‌گیرند، موقع درگیری، حسن یک پایش را از کانال بیرون ببرد تا ترکش به پایش اصابت کند و آن موقع ببینند ترکش چیست و چه کار می‌کند!

به نظرم دومین روز حضورمان در فارسیات، عراقی‌ها این طرف کارون را به توپ بستند. در این حال، حسن می‌خواهد کف کانال و پایش را بیرون می‌گذارد و بالاخره ترکشی به پایش می‌خورد. صدایم زدن که یکی از بچه‌ها زخمی شده. من هم کارم رسیدگی به زخمی‌ها بود. کوله‌امدادی را برداشته، به اتفاق صادق تقوی بُدو رفتیم بالای سرش. «عدلی» یک یک ریز داد می‌زد «برادرا برادرا!» حرف دیگری نمی‌گفت. خون از پایش شیار بسته بود روی خاک. ترکش ریزی هم در ران پایش جا خوش کرده بود. همه چیز داخل کوله داشتم؛ از آتل گرفته تا وسایل بنیحه. حسن عدلی، اولین مجروح رزمندگان آذربایجانی بود. پاچه شلوارش را چر دادم. ترکش به پایش خورده، اما بیرون آمده و داخل زخم نمانده بود. خون بیرون می‌زد. پرسید «پس کو این ترکش؟!»

فکر می‌کرد، ترکش هرجا خورده، همان جا مانده است تا او برداشته، نگاهش کند و یادگاری نگه دارد. کم تجربه بودیم دیگر. ما هم در کارمان ناشی‌گری کرده و می‌گفتیم «ابتدا باید رگ پیدا کنیم و نبض بگیریم» مثل درمانگاه‌های پشت جبهه. بعد دیدیم نه، اینجا باید ضرب العجلی مداوای اولیه را انجام داد و فرستاد بیمارستان. گفتم «بچه جان! ترکش خوردی اما خوشبختانه داخل گوشت پایت نمانده که ببینی. فهمیدی؟ باید بروی پیش دکتر، اتاق عمل. این رشته سر دراز دارد!» باز گفت «برادرا... برادرا...» (۷۷ و ۷۸)

داستان عقب نشینی از بستان

وزهای سختی را در بوستان سپری کردیم. با اینکه دشمن به دروازه‌های شهر رسیده بود و تانک‌هایش وارد شهر شدند، اما در برابرشان ایستادگی کردیم و اجازه ندادیم بستان، دست عراقی‌ها بیفتد. حدود هفت هشت ساعت با عراقی‌ها درگیر شدیم و مجبورشان کردیم عقب نشینی کنند. در ادامه نفهمیدم خالی کردن بستان واقعاً خیانت بنی صدر بوده یا چیز دیگر! ما نمی‌دانستیم این دستورات از چه مقامی است و از کجا صادر می‌شود. ما را به زور و با دادن وعده بمباران شهر، وادار به خروج از بستان کردند.

گفتند عراقی‌ها بعد از ورود به بستان، توسط فانتوم‌های ارتش بمباران می‌شود. وقتی مقاومت مدافعان را دیدند، گفتند این یک دستور است و باید اجرا شود.

بود. اصلاً کسی به فکر خورد و خوراک نبود. کم و بیش غذای بخور و نمیری در مسجد وجود داشت. کمپوتی، کنسروی می‌خوردیم و خدا را هم شکر می‌کردیم. در این روزها به تنها چیزی که فکر نمی‌کردیم، عقب نشینی بود. به نظرم امن‌ترین نقطه، همان داخل شهر بود. باز عده‌ای کنارت بودند. اصلاً کجا می‌شد فرار کرد؟ دور تا دور شهر دشمن بود و با وجود علی تجلایی جز مقاومت به چیز دیگری فکر نمی‌کردیم. حضورش برای همه نیروهای داخل محاصره، موجب دلگرمی بود. او دیگر فقط فرمانده آذربایجانی‌ها نبود؛ همه از اون حرف‌شنوی داشتند. با این که زخمی بود اما به روی خودش نمی‌آورد. یادم هست ترکش ریزی به کتفم خورد. داد و فریاد کردم که ترکش خوردم. علی آمد نگاهی کرد و گفت «سیدا! این که چیزی نیست. حرفش رو هم زن.»

شهید علی تجلایی

از محاصره شهر سه روز گذشت. وقتش رسیده بود که علی حرف‌هایش را عملی کند و کارآی‌اش را پیش از پیش نشان دهد. پل ورودی شهر از سمت بستان را به وسیله مواد منفجره تله‌گذاری کرد و خیالمان از آن جهت راحت شد. هر چند پل، پیش از آن در اثر اصابت توپ و خمپاره آسیب دیده بود. جیب را هم که زدند، مسدود شده بود. (صفحه ۲۷۷)

یادداشتی از سردار شهید علی تجلایی: با درود به رزمندگان اسلام، به ویژه شهدای محاصره سوسنگرد... بهترین خاطره و نقطه اوج شادی قلبی که در طول جنگ داشتم، در زمان شکسته شدن محاصره سوسنگرد توسط قوای اسلام بود. اوج این پیروزی موقعی بود که حدوداً ساعت ۱۱ روز قبل از عاشورای حسینی یعنی روز تاسوعا به اتفاق آخرین باقی‌مانده نیروهایمان که حدود ۱۶ نفر بودند، به سمت دروازه شهر سوسنگرد حرکت کردیم و به برادران گفتیم «باقی‌مانده این نیروها به سمت اهواز پیش‌روی کنیم تا شاید ما جاده را باز کنیم». وقتی روی جاده حرکت می‌کردیم، تانک‌های سوخته عراقی‌ها را مشاهده کردیم. باورکردنی نبود. زیرا ما چهار روز بود که در محاصره عراقی‌ها در داخل شهر بودیم. در این لحظه عده‌ای را روی جاده مشاهده کردیم که به طرف سوسنگرد از سمت اهواز حرکت می‌کنند و گاهی به پایین جاده می‌روند و گاه به سمت چپ و راست و نهایتاً به سمت سوسنگرد پیش‌روی می‌کردند. به تمام برادران گفتیم «سنگر بگیرید و آماده باشید که اگر عراقی باشند، همه را به درک واصل کنیم». (صفحه ۲۹۷)

ناهار رزمندگان در چلوکبابی ششمیری اهواز

شور و حال عجیبی در گلف حاکم بود. تیمسار ظهرنژاد و آیت الله خامنه‌ای هم آنجا بودند. آیت الله خامنه‌ای بعد از نماز مغرب و عشا برای رزمنده‌ها صحبت کردند. گفتند «تصمیم داریم این‌شاءالله به کمک شما جوانان، سوسنگرد را از چنگ دشمن در بیاوریم. ارتش، سپاه و ستاد جنگ‌های نامنظم و شخص دکتر چمران آماده شده‌اند تا کار را یک‌سر کنند.» از شنیدن این خبر خیلی خوشحال شدم. وقتی حلقه محاصره را از دل تنگ‌تر شد با تدبیر علی تجلایی، زخمی‌ها را از آب عبور دادند. پیش داود کریمی، فرمانده گلف رفته و برایش توضیح دادم که من از نیروهای داخل محاصره بودم که با این وضع برگشتم. عقب در دهالویه و سوسنگرد فقط به مقاومت فکر می‌کردیم و از اتفاقات بیرون شهر اطلاعی نداشتیم. سلاح و مهمات به حد کافی نبود و اگر هم بود، به ما نمی‌دادند. حالا می‌خواهم دوباره بروم سوسنگرد پیش دوستانم. از ته دل نگران نیروهای محاصره شده بودم. ۱۵ نفر نیروی آذربایجانی در محاصره، به اضافه سایر رزمنده‌ها فکر و خیال را بدجوری به هم ریخته بود. هیچ تماسی هم وجود نداشت. من امکانات رزمندگان داخل را دیدم و می‌دانستم چیزی توی دست و بال‌شان نیست؛

تا قبل از جنگ تحمیلی، دهالویه روستای کم‌اهمیتی در ۱۲ کیلومتری غرب سوسنگرد بود که کنار جاده سوسنگرد- بستان و قبل از پل سابله قرار دارد. پس از حمله ارتش عراق، به اشغال دشمن درآمد و پس از آزادی، خط مقدم نیروهای خودی برای دفاع از سوسنگرد بود. این روزها دهالویه را با نام شهید دکتر مصطفی چمران می‌شناسند، در حالی که دهالویه، صحنه نبرد بزرگ‌مردان دیگری نیز همچون علی تجلایی، رضا جاویدآغاسی، علیرضا محمدی، مرتضی یاغچیان و ده‌ها شهید آذربایجانی و سایر رزمنده‌هاست که تا آخرین نفس از این مرز و بوم دفاع کردند.

علی تجلایی با حدود ۵۰ رزمنده تبریزی به دهالویه رفت تا از سوسنگرد دفاع کند. وی محور دهالویه را به شایستگی فرماندهی کرد و پا پس نکشید. تجلایی در یکی از یادداشت‌هایش درباره مقاومت دهالویه نوشته است «در هجوم عراق به محور دهالویه، ده‌ها تانک و نفربر و بیش از چهار هزار نیروی پیاده شرکت داشتند. با من تماس گرفتند که عقب نشینی کنیم؛ در جواب گفتم تا آخرین نفر خواهیم ایستاد!» (۱۶۱ و ۱۶۲)

فقط فرمانده آذربایجانی‌ها نبود!

روزهای محاصره، روزهای اضطراب و ترس و دلهره

نه اسلحه، نه مهمات و نه غذایی که سیر بخورند. در دلم نذر کردم اگر بچه‌ها از محاصره، سالم برگردند، از جیب خودم برای همه‌شان در چلوکبابی ششمیری اهواز ناهار بخرم. (صفحه ۳۵۰)

درود بر بانوی پرستار شجاع جبهه سوسنگرد

روز آزادی سوسنگرد و ساعتی بعد از استقرار ما، عراقی‌ها پل اصلی شهر روی کرخه را آن قدر با توپ و خمپاره زدند که از چند جا آسیب دید. این پل که غرب و شرق شهر را به هم وصل می‌کرد، احتمال می‌دادیم دیگر قابل استفاده نباشد. ارتباط با آن طرف رودخانه به خاطر حضور دشمن قطع بود. در این گلوله‌باران‌ها یک نفر هم شهید شد و جنازه‌اش ماند درست جلوی چشم عراقی‌ها. کسی جرات نداشت برود جنازه را از کنار پل بیاورد. عراقی‌ها آن طرف رودخانه نسبت به ما دید کافی داشتند و هر کس از جایش بلند می‌شد، در

جا می‌زدند. در میان نیروهای داخل محاصره، دو پرستار زن هم وجود داشت. به گفته علی تجلایی، این‌ها خودشان حاضر نشده بودند از شهر بروند و در بیمارستان مجروحین را مداوا می‌کردند. واقعاً شیرزنانی بودند که ما مثل و مانند‌شان را در افسانه‌ها شنیده بودیم. با دل و جرات، با ایمان و باور عمیق قلبی به راهی که انتخاب کرده بودند و خودشان را هم در بیمارستان محصور نکرده بودند. همه جای شهر حضور داشتند. اتفاقاً موقع انفجار پل، آنها هم شاهد ماجرا بودند. وقتی هم آن رزمنده را کنار پل زدند، کسی از رزمنده‌ها از جایش تکان نخورد که برود جنازه شهید را بیاورد.

یکی از همین پرستاران زن، بی آنکه چیزی بگوید یا به کسی حرفی بزند، بلند شد و نیم‌خیز دوید سمت جنازه. اطراف پل، زیر آتش مستقیم دشمن بود. خودش را به جنازه رساند. هر آن منتظر بومد عراقی‌ها بزنند. رزم سوت می‌کشید. در مقابل چشمان بهت‌زده رزمنده‌ها، جنازه شهید را به کول گرفت و دوان دوان آورد. یک دست شهید که آزاد بود، مثل پرچمی در هوا تکان می‌خورد. به نشانه تشکر و قدردانی از این شیرزن، فقط تکبیر گفتیم. یک لحظه حس کردم همه دشت آزادگان برایش تکبیر می‌گویند. با هیچ بیانی نمی‌شد از این پرستار شجاع جبهه سوسنگرد تشکر کرد. جنازه را گذاشت زمین و نفس نفس می‌زد. بعد سرش را انداخت پایین و راهی بیمارستان شد. بچه‌ها جنازه را بردند بیمارستان. آن روزها حجب و حیا مانع می‌شد نامشان را بپرسیم. فقط «خواهر» صدایشان می‌زدیم. (۴۱۷ و ۴۱۸)

راز و نیاز با پای مجروح

بخشی از روایت شهید مصطفی چمران در آزادسازی سوسنگرد: احساس می‌کردم که حسین(ع) مرا به جنگ کفار فرستاده و از پشت سر مراقب من است. حرکات مرا می‌بیند، سرعت عمل مرا تمجید می‌کند، فداکاری مرا می‌ستاید و از زخم‌های خونین بدنم آگاهی دارد و به راستی که زخم و درد در راه او و خدای او چقدر لذت‌بخش است! با پای مجروح خود راز و نیاز می‌کردم: ای پای عزیزم! ای آن‌که همه عمر، وزن مرا تحمل کرده‌ای و مرا از کوه‌ها و بیابان‌ها و راه‌های دور گذرانده‌ای. ای پای چابک و توانا که در همه مسابقات، مرا پیروز کرده‌ای! اکنون که ساعت آخر حیات من است، از تو می‌خواهم که با جراحت و درد، مدارا کنی، مثل همیشه چابک و توانا باشی و مرا در صحنه نبرد ذلیل و خوار نکنی... و به راستی که پای من، مرا لنگ نگذاشت و هرچه خواستم و اراده کردم به سهولت انجام دادم و در همه جست‌و‌خیزها و حرکاتم وقفه‌ای به وجود نیاورد. به خون نیز نهیب زدم: آرام باش! این چنین به خارج جاری مشو. من اکنون با تو کار دارم و می‌خواهم که به وظیفه‌ات درست عمل کنی. (صفحه ۲۵۴)

ایرنا

مفقودی
روزنامه طرح نو
اصل سند و برگ سبز تراکتور کشاورزی مدل M2۸۵ به شماره سریال G۰۸۹۰۹A۱ شماره موتور LF۷۰۰۹۳V و شماره دفترچه ۱۴۳۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسه آگهی: ۲۰۵۱۰۷۸
روزنامه طرح نو
شماره نامه: ۱۴۰۴۸۵۶۰۴۰۲۳۰۰۴۱۱
تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴
آگهی فقدان سند مالکیت
شش‌دانگ یک باب ساختمان به شماره ۳۳۱ فرعی از ۴۸ اصلی واقع در بخش ۳۸ حوزه ثبتی آذرشهر در صفحه ۱۷۷ دفتر ۱۳۳ به نام محمد علی محمد خانی امیر دیزج ثبت و سند مالکیت آن صادر و تسلیم گردیده است. بعداً نامبرده برابر درخواست وارده ۱۴۰۴۶۶۲۵۱۰۲۶۰۰۰۲۶۴ مورخه ۱۴۰۴/۰۶/۲۶ و استشهاد محلی مههور به مهر دفترخانه ۱۳ آذرشهر اظهار نموده است که سند مالکیت فوق به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است. لذا در اجرای ماده ۱۲۰

آگهی مزایده عمومی فروش املاک و مستغلات
شماره ۲۰۰۴۰۹۰۸۷۳۰۰۰۰۰۳ - مرحله اول (نوبت دوم)
شهرداری زرنق
شهرداری زرنق در نظر دارد با استناد مجوز شماره ۳۷۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۲ شورای محترم اسلامی شهر زرنق، املاک و مستغلات تحت اختیار خود را از طریق مزایده عمومی و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده و با بهره‌گیری از سامانه تدارکات دولت (www.setadiran.ir) با شماره مزایده ۲۰۰۴۰۹۰۸۷۳۰۰۰۰۰۳ به صورت الکترونیکی به فروش برساند.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹
تاریخ بازدید: از مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۹ تا ۱۴۰۴/۰۹/۱۰
مهلت دریافت اسناد مزایده: ۱۴۰۴/۰۸/۲۹ تا ساعت ۱۴
مهلت ارسال پیشنهاد: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ تا ساعت ۱۴
تاریخ بازگشایی: ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ ساعت ۱۰
تاریخ اعلام به برنده: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲ ساعت ۱۰
م‌الف: ۱-
۲۰۴۳۷۴۳
روزنامه طرح نو شناسه آگهی: ۲۰۴۳۷۴۳
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۲۷

بررسی شایع‌ترین اختلالات روانی دانش‌آموزان در گروه اجتماعی طرح نو؛

نیاز جدی ۱۰ درصد دانش‌آموزان به خدمات روانشناختی

طرح نو؛ شیوا صفری
مدارس در حالی از دو ماه پیش بر روی حدود ۱۵ میلیون دانش‌آموز باز شده است که بنابر اعلام روانشناسان اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و بیش‌فعالی شایع‌ترین نوع اختلالاتی است که در بین دانش‌آموزان به چشم می‌خورد، همین امر باعث شده تا بسیاری از روانشناسان حضور حداقل یک مشاور-روانشناس را در هر مدرسه‌ای نیازی ضروری برای تمامی دانش‌آموزان بدانند.

۱۰ درصد از دانش‌آموزان نیاز جدی به خدمات روان‌شناختی دارند

در همین راستا علی مرادی، روان‌شناس و مدرس دانشگاه می‌گوید: طبق استانداردهای جهانی ۱۰ درصد از دانش‌آموزان کشور یعنی ۱.۵ میلیون نفر به طور جدی نیاز به خدمات روان‌شناختی دارند و نیاز است تا نظام آموزش و پرورش برای این مسئله برنامه‌ریزی جدی‌تری داشته باشد. وی علت این نیاز را در این مساله دانست که کودکان و نوجوانان از نظر شناختی، رفتاری و هیجانی در سن تحول قرار دارند. مرادی توضیح می‌دهد که باتوجه به اینکه در سن تحول ممکن است دانش‌آموزان با مسائلی اعم از مشکلات خانوادگی، شرایط نامساعد تحصیلی و... روبه رو باشند اگر به موقع این مشکلات ارزیابی و بررسی نشود می‌تواند تبدیل به بیماری روانی مزمن شود که فرد را در در آینده برای درمان با مشکلات جدی روبه رو کند.



بیش‌فعالی و اختلال نافرمانی، شایع‌ترین نوع اختلالات دانش‌آموزان

میترا شاه‌بیگی، روانشناس و مشاور خانواده در تبریز نیز در گفتگویی از نبود برنامه جدی به منظور رفع مشکلات روانی دانش‌آموزان ابراز نگرانی کرده و می‌گوید: به طور قطع یکسری رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی در کمین کودکان و نوجوانان است

درباره زمان تشخیص و درمان این مشکل توضیح داد و گفت: بیش‌فعالی اختلال رایجی است که در کودکان و نوجوانان مشاهده می‌شود؛ ممکن است این مشکل در چهار سالگی وجود داشته باشد و با گذشت زمان مزمن‌تر شود و فرد را در دوران نوجوانی از نظر رفتاری و تحصیلی تحت تأثیر قرار دهد که در این زمان سازگاری فرد با محیط با مشکل مواجه خواهد شد.

کمبود مشاور در مدارس

احسان توکلی، روانشناس و مشاور یک مدرسه‌ی غیر دولتی در تبریز نیز با بیان اینکه به طور مشخص رفتارهای پرخطر در بین دانش‌آموزان مشاهده می‌شود، غربالگری و نظارت روانشناسی بر دانش‌آموزان را یکی از نیازهای جدی مدارس دانست و گفت: بر اساس اعلامی وزارت آموزش و پرورش حدود ۱۲۴ هزار مدرسه در سراسر کشور وجود دارد و این در حالی است که تعداد مشاورین مدارس تنها به ۲۵ هزار نفر می‌رسد.

او با بیان اینکه هر مدرسه‌ای حداقل به یک مشاور-روانشناس نیاز دارد از آماده‌سازی طرحی جهت حضور حداقل یک روانشناس در هر مدرسه خبر داد و بیان کرد: اگر آموزش و پرورش بخواهد فردی را به عنوان مشاور یا روانشناس استخدام کند با مشکلاتی مواجه است، در این طرح که قرار است به آموزش و پرورش ارائه شود هر مدرسه‌ای باید حداقل یک مشاور داشته باشد؛ مشاورانی که می‌توانند به صورت پاره وقت با

توجه به محل سکونتشان در مدرسه فعالیت کنند. به گفته وی بیش از ۲۵ هزار روانشناس زیر نظر سازمان نظام روانشناسی در حال فعالیت هستند که می‌توانند با کنترل استرس، اضطراب و دیگر مشکلات دانش‌آموزان به آن‌ها کمک کنند و رفتارهای پرخطر و بیش‌فعالی را از طریق این طرح تحت نظر بگیرند و برای پیشگیری و درمان آن‌ها اقدام کنند.

آزمون‌های سلامت روان تحت نظر سازمان روانشناسی

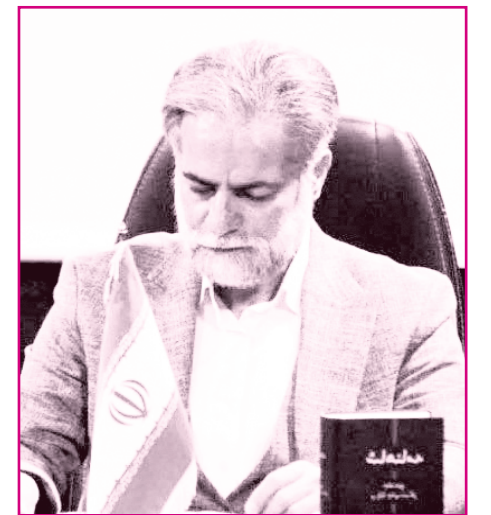
توکلی با بیان اینکه آموزش و پرورش باید آزمون‌های سلامت روان را اجرا کند، گفت: اگر این آزمون‌ها دقیق اعمال شود و معیارهای مورد نظر در آن رعایت شود، می‌تواند مفید باشد.

او که معتقد است آزمون‌های سلامت روان باید برای تمامی سنین اجرا شود تأکید کرد: با توجه به اینکه دوران کودکی و نوجوانی سن تحول انسان‌هاست، این آزمون‌ها در هر مقطعی یکسری از اختلالات را بیشتر بروز می‌دهد به همین دلیل آزمون‌ها در هر سنی باید با توجه به شرایط سنی خاص خود انجام شود چراکه در دوران پیش‌دبستانی رفتارهای حرکتی و بیش‌فعالی بسیار مشاهده می‌شود؛ لذا توصیه می‌شود آموزش و پرورش آزمون‌های سلامت سازمان نظام روانشناسی را به عنوان ناظر خود در این آزمون‌ها انتخاب کند چرا که هر کار تشخیصی که در این حیطه انجام می‌شود اگر نظارتی بر آن نباشد، شاید نتیجه معتبری هم نداشته باشد.

گزارش

نگاهی به تاریخچه کریدور ایران در شمال غرب کشور؛

موقعیت آذربایجان در ساختار سیاسی زندیه



طرح نو؛ جمشید پوراسمعیل نیازی... بخش سوم و پایانی ...

مسیر تبریز - نخجوان - تفلیس

مسیر دوم، تبریز - نخجوان - تفلیس، یکی از کانال‌های حیاتی ارتباط ایران با قفقاز و روسیه بود. این شاهراه، نه تنها مسیر صادرات کالاهای ایرانی مانند ابریشم، فرش و فلزات بود، بلکه از نظر امنیت و کنترل نظامی شمال‌غرب نیز اهمیت ویژه‌ای داشت. تحرکات محلی و تهدیدهای ناشی از مداخلات روسیه تزاری، همواره جریان تجارت را با مخاطره مواجه می‌کرد و هرگونه ضعف در مدیریت گلوگاه‌ها، می‌توانست به توقف نسبی مسیر منجر شود. گروه‌های استراتژیک در این مسیر شامل جلفا، نخجوان و بازارهای تفلیس بود. این نقاط به‌عنوان مراکز مبادله کالا و همزمان نقاط کنترل نظامی عمل می‌کردند. هرگونه اختلال در این گلوگاه‌ها، نه تنها اقتصاد منطقه را تهدید می‌کرد، بلکه ثبات سیاسی و امنیتی شمال‌غرب را نیز به مخاطره می‌انداخت. بنابراین، حکومت زندیه و نمایندگان محلی، با نظارت مستمر، ایجاد پاسگاه‌ها و استقرار نیروهای وفادار، تلاش می‌کردند جریان کالا و امنیت مسیر را همزمان حفظ کنند.

اهمیت اقتصادی و امنیتی گلوگاه‌ها

نقاط گره‌ای و بازارهای مسیرهای شمال‌غرب، در واقع مراکز پیچیده‌ای بودند که هم تجارت و هم امنیت را مدیریت می‌کردند. موفقیت اقتصادی مسیرها بدون

کنترل این گره‌ها ممکن نبود و بالعکس، قدرت نظامی و ثبات سیاسی نیز بدون جریان اقتصادی و درآمد‌های ناشی از این مسیرها قابل دوام نبود. این واقعیت، اهمیت استراتژیک و تعامل اقتصاد و امنیت را در دوره زندیه به وضوح نشان می‌دهد. به این ترتیب، تحلیل جغرافیای راه‌ها و گره‌ها، نشان می‌دهد که کریدور شمال‌غرب ایران در دوره زندیه نه یک مسیر ساده، بلکه شبکه‌ای از مسیرها، بازارها و نقاط حیاتی بود که استمرار اقتصاد، امنیت و اقتدار حکومت مرکزی به مدیریت دقیق آنها بستگی داشت.

تأثیر بی‌ثباتی سیاسی بر رونق و رکود تجارت در شمال‌غرب ایران

پس از مرگ نادرشاه و فروپاشی سریع ساختار دولت مرکزی، ایران وارد دوره‌ای از آشفتگی سیاسی شد که بی‌ثباتی آن به صورت مستقیم بر مسیرهای تجارتی شمال‌غرب اثر گذاشت. رقابت‌های داخلی میان سرداران و خان‌های محلی، فقدان نیروی نظامی کافی در مناطق مرزی و تهدیدهای خارجی، همگی باعث شدند جریان کالا و تجارت در مسیرهای استراتژیک مانند تبریز - تفلیس و تبریز - ارزروم دچار نوسان و رکود شود. در این دوره، ناامنی‌ها و شورش‌های محلی به شکل مستقیم هزینه‌های تجارت را افزایش می‌دادند. کاروان‌ها برای عبور از مسیرهای ناامن مجبور به استخدام محافظان بیشتر و پرداخت عوارض اضافی به نیروهای محلی می‌شدند. این وضعیت باعث کاهش حجم مبادلات، افزایش قیمت کالاها و ایجاد وقفه‌های موقت در جریان صادرات و واردات می‌گردید. به عنوان مثال، صادرات ابریشم، فرش و فلزات به قفقاز و عثمانی در دوره‌هایی به دلیل نبود امنیت کافی، متوقف یا با تأخیر انجام می‌شد. با وجود این چالش‌ها، حکومت زندیه به ویژه کریم‌خان با اعزام نمایندگان وفادار و استقرار نیروهای نظامی در گلوگاه‌ها و شهرهای استراتژیک مانند تبریز، جلفا و ارومیه تلاش کرد ثبات نسبی را بازگرداند. هر بار که این اقدامات امنیتی موفقیت‌آمیز بود، مسیرهای تجارتی رونق می‌یافتند و جریان کالا و درآمد‌های مالیاتی و گمرکی مجدداً فعال می‌شدند. این وضعیت نشان می‌دهد که اقتصاد شمال‌غرب ایران وابستگی شدیدی به ثبات سیاسی و امنیت مسیرها داشت و هرگونه بی‌توجهی یا ضعف در کنترل، فوراً اثر خود را بر تجارت نشان می‌داد. بی‌ثباتی سیاسی همچنین تأثیرات غیرمستقیم بر بازارها و

شبکه‌های بازرگانی محلی داشت. با کاهش جریان کالا و رکود تجارت، اعتماد بازرگانان به مسیرهای شمال‌غرب کاهش می‌یافت و سرمایه‌گذاری در این مسیرها محدود می‌شد. از سوی دیگر، هرگاه حکومت توانست با اقدامات موقت و محدود امنیتی، ثبات نسبی ایجاد کند، رونق تجارت به شکل تدریجی بازمی‌گشت و بازارهای تبریز و مسیرهای مرتبط، حتی در شرایط ناپایدار سیاسی، توانستند به عنوان هسته‌های اقتصادی شمال‌غرب باقی بمانند.

به این ترتیب، تجربه دوره زندیه نشان می‌دهد که رونق و رکود مسیرهای تجارتی شمال‌غرب، انعکاسی از تعامل مستقیم میان بی‌ثباتی سیاسی، امنیت مسیرها و اقتصاد منطقه بود. بدون سیاست‌های حفاظتی و اقدامات محدود دولت، اقتصاد این مسیرها نمی‌توانست ادامه یابد و جریان کالا و درآمد‌های حیاتی برای تثبیت اقتدار حکومت مرکزی به خطر می‌افتاد.

توان محدود نظامی زندیه و اثر آن بر امنیت مسیرهای شمال‌غرب

توان نظامی حکومت زندیه، علی‌رغم ثبات نسبی داخلی در مرکز کشور، محدود و متمرکز بود. نیروهای وفادار کریم‌خان عمدتاً در شیراز و مناطق مرکزی مستقر بودند و گستره نیروی نظامی در شمال‌غرب و دیگر مناطق مرزی محدودیت شدیدی داشت. این محدودیت به‌طور طبیعی بر امنیت مسیرهای طولانی شمال‌غرب تأثیر گذاشت و مانع از کنترل دائمی و جامع بر مسیرهای حیاتی تجارت و ارتباطات نظامی شد.

در چنین شرایطی، امنیت مسیرهای تجارتی شمال‌غرب ایران تنها موقت و مشروط به شرایط خاص برقرار می‌شد. هرگاه تهدید نظامی، شورش محلی یا مداخلات خارجی رخ می‌داد، مسیرهای حیاتی مانند تبریز - تفلیس و تبریز - ارزروم دچار اختلال شده و جریان کالا با خطر مواجه می‌شد. این وضعیت، به وضوح نشان می‌دهد که اقتصاد مسیر شمال‌غرب کاملاً به ثبات امنیتی وابسته بود و هرگونه ضعف یا محدودیت نظامی مستقیماً بر تجارت، درآمد‌های گمرکی و ثبات اقتصادی منطقه اثر می‌گذاشت.

محدودیت نظامی همچنین سیاست‌های حکومت زندیه در کنترل مسیرها را شکل می‌داد. حکومت، برای مقابله با تهدیدهای آتی، مجبور بود نیروهای وفادار خود را در گلوگاه‌های استراتژیک مستقر کند، سرداران و نمایندگان مطمئن را در شهرهای کلیدی مانند تبریز، جلفا و ارومیه

منصوب نماید و نظارت مستقیم بر کاروان‌ها و بازارها داشته باشد. این اقدامات، اگرچه به ثبات نسبی کمک می‌کرد، اما تضمین امنیت کامل و دائمی مسیرها مانند دوران صفویه و افشاریه ممکن نبود.

به عبارت دیگر، کریدور شمال‌غرب در دوره زندیه هم مسیر اقتصادی و تجاری بود و هم محور حساس نظامی و امنیتی. هرگونه بحران سیاسی، تهدید خارجی یا شورش محلی می‌توانست جریان تجارت و ارتباطات نظامی را مختل کند و نشان‌دهنده تعامل پیچیده و حساس میان توان نظامی، امنیت مسیرها و اقتصاد منطقه بود. در این دوره، سیاست‌های کریم‌خان زند عمدتاً پاسخ‌دهنده و تطبیقی بودند؛ یعنی حکومت سعی می‌کرد با مدیریت هوشمندانه منابع محدود، ثبات نسبی ایجاد کند و از مسیرهای حیاتی برای تجارت و دفاع استفاده بهینه نماید، بدون اینکه توان گسترده نظامی برای کنترل دائمی مسیرها در اختیار داشته باشد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

تحلیل کریدور شمال‌غرب ایران در دوره زندیه نشان می‌دهد که این مسیر، علی‌رغم تمرکز سیاسی حکومت بر شیراز و کاهش حضور مستقیم در شمال‌غرب، همچنان جایگاه راهبردی و حیاتی خود را حفظ کرده بود. این مسیرها نه تنها از منظر اقتصادی و تجاری، بلکه از لحاظ نظامی و امنیتی نیز اهمیت ویژه‌ای داشتند و نقش اساسی در تثبیت اقتدار حکومت زندیه ایفا می‌کردند. تبریز به‌عنوان مرکز اقتصادی و نظامی شمال‌غرب، محور اصلی کریدور بود. مدیریت بازار، نظارت بر مسیرهای تجاری و استقرار سرداران وفادار در این شهر، امکان کنترل مرزها با عثمانی و قفقاز و تأمین امنیت نسبی مسیرهای حیاتی مانند تبریز - تفلیس و تبریز - ارزروم را فراهم می‌کرد. بازار تبریز با ساختار پیچیده و تخصصی خود نه تنها نیازهای مصرفی منطقه را تأمین می‌کرد، بلکه به‌عنوان پل اصلی میان ایران، قفقاز و عثمانی، جریان کالاهای صادراتی را حفظ می‌کرد و اقتصاد شمال‌غرب ایران را در دوره‌ای پرچالش و پس از بی‌ثباتی‌های پس از نادرشاه زنده نگه می‌داشت.

با این حال، امنیت مسیرهای شمال‌غرب و کارکرد اقتصادی آن‌ها به شدت تحت تأثیر بی‌ثباتی سیاسی داخلی و توان محدود نظامی زندیه قرار داشت. فقدان نیروهای کافی و تمرکز دولت بر شیراز باعث شد امنیت مسیرها تنها به صورت مقطعی برقرار شود و هر زمان بحران یا تهدید

نظامی بروز می‌کرد، مسیرهای تجاری با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شدند و جریان کالا و درآمد‌های اقتصادی با اختلال مواجه می‌گشت. این وضعیت نشان می‌دهد که رونق اقتصادی و ثبات امنیتی مسیرها در دوره زندیه ارتباط مستقیم و تعاملی داشت.

تحلیل تعامل میان اقتصاد و امنیت در این دوره نشان می‌دهد که این دو عامل ملزوم و هم‌پوشان یکدیگر بودند. رونق تجاری بدون امنیت مسیرها غیرممکن بود و توان محدود نظامی نیز بدون درآمد‌های حاصل از مسیرهای اقتصادی قادر به حفظ امنیت نبود. به عبارت دیگر، کریدور شمال‌غرب در دوره زندیه یک سیستم داینامیک و تعاملی بود که ثبات آن وابسته به مدیریت همزمان اقتصاد و امنیت بود. سیاست‌های کریم‌خان زند به‌وضوح توازن میان رونق تجاری و حفاظت نظامی مسیرها را دنبال می‌کرد.

مقایسه کوتاه با دوره افشاریه نشان می‌دهد که اگرچه تمرکز سیاسی در زندیه کمتر بر شمال‌غرب بود، اما اهمیت اقتصادی و نظامی کریدور همچنان حفظ شد. مسیرهای تجاری و گره‌های راهبردی شمال‌غرب ایران حتی با کاهش توجه دولت مرکزی نمی‌توانستند جایگاه خود را از دست بدهند و همچنان حلقه اتصال فلات مرکزی ایران با قفقاز و عثمانی باقی ماندند.

به طور کلی، مطالعه کریدور شمال‌غرب در دوره زندیه نشان می‌دهد که حتی در دوره‌های کم‌تمرکز سیاسی، مسیرهای راهبردی و مراکز اقتصادی کلیدی مانند تبریز پایدار و نسبی خود را حفظ می‌کنند. این پایداری نتیجه ترکیبی از مدیریت هوشمندانه حکومت مرکزی، بهره‌گیری از نیروهای وفادار محلی و سازوکارهای اقتصادی موجود بود. کریدور شمال‌غرب نه تنها مسیر انتقال کالا، بلکه ابزاری برای تثبیت اقتدار سیاسی، کنترل مرزها و ایجاد توازن میان اقتصاد و امنیت نیز محسوب می‌شد.

در پایان، دوره زندیه نمونه‌ای برجسته از ارتباط تعاملی و پیچیده میان سیاست، اقتصاد و امنیت در تاریخ ایران است. این تحلیل نشان می‌دهد که حتی با تمرکز سیاسی کمتر و منابع نظامی محدود، مسیرهای راهبردی شمال‌غرب توانستند به‌عنوان ستون فقرات ارتباطی و اقتصادی با مناطق همجوار عمل کنند و جایگاه تاریخی خود را حفظ نمایند. اهمیت این مسیرها در تثبیت اقتدار حکومت زندیه و استمرار جریان اقتصادی شمال‌غرب، بیانگر ارزش تاریخی، اقتصادی و نظامی کریدور است.

نوجوان ما بیشتر به «سرمشق» نیازمند است تا «عیب جویی»

پیام اجتماعی

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی
آدرس تبریز: خیابان امام – مابین چهارراه منصور و میدان ساعت – جنب مسجد کبود
مجتمع تجاری ابریشم – طبقه اول – واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲
آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱
تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۴۸۵۸۸
لینوگرافی و چاپ: شاخه سبز

یادداشت

شهر داریها و تحول دیجیتال



طرح نو، ابراهیم سلیمی

در عصر فناوری و دیجیتال، شهرها به سرعت در حال تبدیل شدن به محیط‌هایی هوشمند و متصل هستند. شهرداری‌ها به عنوان نهادهای محلی مسئول مدیریت شهری، نقش کلیدی در این تحول ایفا می‌کنند. با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، شهرداری‌ها می‌توانند خدمات شهری را بهبود بخشند، کیفیت زندگی شهروندان را ارتقا دهند و به سوی توسعه پایدار گام بردارند. اما این مسیر با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی همراه است.

شهرهای هوشمند با استفاده از اینترنت اشیا، داده‌های لحظه‌ای را از طریق سنسورها و دستگاه‌های متصل جمع‌آوری میکنند. این داده‌ها به شهرداری‌ها کمک می‌کنند تا مدیریت ترافیک، مصرف انرژی، جمع‌آوری زباله و سایر خدمات شهری را بهینه‌سازی کنند. برای مثال، سیستم‌های روشنایی هوشمند می‌توانند بر اساس حضور افراد

در خیابان‌ها روشنایی را تنظیم کنند و در

مصرف انرژی صرفه‌جویی شود

شهرداری‌ها همچنین با ایجاد پلتفرم‌های دیجیتال، امکان مشارکت بیشتر شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری را فراهم می‌کنند. از طریق اپلیکیشن‌های موبایل، شهروندان می‌توانند مشکلات شهری مانند چاله‌های خیابان‌ها یا روشنایی معیوب را گزارش دهند و در فرآیند بهبود شهر نقش فعالی ایفا کنند.

فناوری‌های دیجیتال به شهرداری‌ها کمک می‌کنند تا هزینه‌های عملیاتی را کاهش دهند و منابع را بهینه‌سازی کنند.

برای مثال، سیستم‌های مدیریت هوشمند آب می‌توانند از هدر رفت آب جلوگیری کنند و در هزینه‌ها صرفه‌جویی شود.

تحول دیجیتال در شهرداریها نه تنها یک ضرورت، بلکه یک فرصت بزرگ برای ایجاد شهرهای پایدار و هوشمند است. با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، شهرداری‌ها می‌توانند خدمات شهری را بهبود بخشند، مشارکت شهروندان را افزایش دهند و به سوی آینده‌های روشن گام بردارند. اما موفقیت در این مسیر مستلزم توجه به چالش‌هایی مانند امنیت داده‌ها و کاهش شکاف دیجیتالی است.

شهرداری‌ها باید با برنامه‌ریزی دقیق و همکاری با بخش‌های خصوصی و عمومی، این تحول را به درستی مدیریت کنند.

* مسئول شهرسازی منطقه ۲ مراغه

طرح نو

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شهردار خبر داد:

۲۵ اتوبوس برقی ۱۲ متری در راه تبریز

طرح نو ؛ گروه شهری

شهردار تبریز از انعقاد قرارداد خرید ۲۵ دستگاه اتوبوس برقی ۱۲متری از شرکت خودروسازی ایران خودرو دیزل خبر داد و گفت: تا پایان سال جاری اتوبوس‌های برقی به خطوط مختلف شهری اضافه می‌شوند.

یعقوب هوشیار با اعلام این خبر گفت: با توجه به انتخاب تبریز به عنوان پایتخت محیط زیست شهرهای آسیایی در سال ۲۰۲۵، و در تداوم اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی،

طرح نو ؛ گروه شهری

اعضای شورای اسلامی شهر مقرر کردند مبنای قیمت گذاری واحدهای مسکونی پروژه بازآفرینی اسدگلی بر اساس قیمت تمام شده احداث این واحدها باشد.

اعضای شورای اسلامی شهر تبریز پیش از ظهر امروز در

بدنه‌ی عمرانی بخش قابل‌توجهی از خط دو مترو پیش رفته،

اما پرداخت هزینه‌های سنگین تجهیزات برقی، تونل و واگن‌ها همچنان به تأمین اعتبار ارزی وابسته است؛ تأخیری که در این بخش رخ دهد، در واقع به معنای توقف در روند توسعه‌ی شهر خواهد بود.

به باور او، هر ماه تأخیر در تکمیل خطوط جدید مترو، سهم حمل‌ونقل عمومی را کمتر و ازدحام در سطح خیابان را بیشتر می‌کند. رشیدی تأکید کرد که هیچ راهی جز تداوم ساخت و تجهیز کامل مترو وجود ندارد، زیرا تبریز دیگر ظرفیت توسعه‌ی افقی خیابان‌ها را ندارد.

بودجه و سازوکار مالی؛ قانون اجرا نمی‌شود

در پاسخ به سؤالی درباره‌ی نقش بودجه‌های شهرداری و شورا در اصلاح شبکه و پروژه‌های هوشمند، رشیدی توضیح داد: منابع مالی اصلی شهرداری‌ها وابسته به درآمدهای ناپایدار است؛ وقتی درآمد از محل ساخت‌وساز کاهش می‌یابد، طبیعی است که طرح‌های ترافیکی متوقف شوند.

طبق قانون، دولت باید ۵۰درصد هزینه‌های ناوگان را تأمین کند، اما در سال‌های اخیر این مشارکت یا بسیار محدود بوده یا با تأخیر تخصیص یافته است. این فاصله‌ی مالی، مستقیم به کاهش کیفیت خدمات تبدیل می‌شود.

او افزود: شورا به‌طور مستمر تأکید دارد که ناگزیر باید مدل‌های نوین مشارکت با بخش خصوصی تعریف شود، زیرا منابع سنتی دیگر پاسخ‌گو نیستند.

اصلاحات هندسی و طرح‌های هوشمند؛ تصمیم‌های جزیره‌ای

در پاسخ به پرسش درباره‌ی هوشمندسازی چراغ‌ها و اصلاح تقاطع‌ها، رئیس مرکز پژوهش‌های شورای شهر تبریز گفت: در بسیاری از نقاط شهر اصلاح تقاطع‌ها در سال‌های اخیر انجام شده، اما بیشتر این طرح‌ها جزیره‌ای و مقطعی بوده‌اند. مشکل اساسی نبود هماهنگی داده‌ها و نگاه شبکه‌ای است. تا زمانی که داده واقعی از مسیرهای پرتراфик نداشته باشیم، تصمیم‌های ترافیکی مثل تیر در تاریکی‌اند. او افزود: مرکز کنترل ترافیك (TMC) باید از نقش صرف‌ثبت تخلفات فرائر رود و به «مرکز تحلیل و تصمیم» تبدیل شود؛ جایی که داده‌های گردآوری‌شده نه در بایگانی خاک بخورند، بلکه مبنای سیاست‌گذاری روزمره و تصمیم‌گیری مدیریتی شهر قرار گیرند.

قرارداد خرید ۲۵ دستگاه اتوبوس برقی با هزینه ۵ هزار میلیارد ریال با شرکت ایران‌خودرو دیزل منعقد شد.

وی اضافه کرد: شرکت خودروساز متعهد به انجام تعهدات و تحویل اتوبوس‌های برقی تا پایان سال جاری شده است.

شهردار تبریز با اشاره به احداث جایگاه شارژ اتوبوس‌های برقی خاطرنشان کرد: سازمان عمران و بازآفرینی شهری شهرداری تبریز احداث جایگاه شارژ اتوبوس‌های برقی را در توقفگاه مرکزی شرکت واحد اتوبوسرانی واقع در میدان

دویست و نود و یکمین جلسه علنی خود و در جریان بررسی مصوبه کمیسیون عمران، حمل و نقل و ترافیك و پس از ارائه گزارشی در این زمینه از سوی شهردار تبریز، مقرر کردند مبنای قیمت‌گذاری واحدهای مسکونی پروژه بازآفرینی اسدگلی بر اساس قیمت تمام شده احداث این واحدها باشد.

پیامبر اکرم (ص) :

هر کس در پی آموختن دانش باشد، بهشت در پی او است

سه‌شنبه ۲۷ آبان ماه ۱۴۰۴ – سال نوزدهم – شماره ۳۴۴۵



آذربایجان شروع کرده است.

وی ادامه داد: اتوبوس های برقی جدید تا پایان سال جاری در خطوط مختلف شهری به کار گرفته خواهد شد.

هوشیار با بیان اینکه تبریز اولین کلانشهر شمالغرب کشور است که از اتوبوس های برقی استفاده می کند، همچنین گفت تبریز سومین کلانشهر کشور محسوب می شود که اقدام به راه‌اندازی اتوبوس های برقی برای جابجایی مسافر می کند.

تصویب مبنای قیمت‌گذاری واحدهای مسکونی پروژه باز آفرینی اسدگلی

با رأی اعضای شورای اسلامی شهر مبنای قیمت گذاری واحدهای مسکونی پروژه بازآفرینی اسدگلی بر اساس قیمت تمام شده احداث این واحدها باشد.

نحوه واگذاری این واحدهای مسکونی با پیشنهاد شهرداری به تصویب اعضای شورای اسلامی شهر رسید.

گزارش

طرح نو در گفتگو با کارشناسان حوزه‌ی شهری بررسی می‌کند:

ترافیک تبریز؛ شهری در آستانه‌ی بازگشت اعتماد و راه‌یافتن نظم نو

رفتار ترافیکی؛ قانون یا سبک زندگی؟

به نظر او، ترافیك تنها مسئله‌ی قانون نیست بلکه سبک زندگی شهری را نمایان می‌کند. وقتی شهر طوری طراحی می‌شود که برای کوچک‌ترین نیاز روزمره باید از خودرو استفاده کرد، ما عملاً شهروندان را تولیدکننده‌ی ترافیك می‌کنیم.

رشیدی گفت: باید طراحی شهری و توزیع خدمات عمومی به‌گونه‌ای باشد که نیازهای روزمره در فاصله‌ی پیاده یا با وسایل عمومی برطرف شود. در آن صورت رانندگی نه اجبار، بلکه انتخاب خواهد بود.

مدارس و رسانه‌ها؛ قلب بازسازی فرهنگ ترافیك

او بر نقش آموزش و رسانه تأکید کرد: مدارس و رسانه‌های محلی، سنگ‌بنای فرهنگ ترافیك‌اند. اگر آموزش مهارت‌های عبور ایمن، مسئولیت اجتماعی و احترام متقابل از آنجا شروع شود، جامعه خود را در آینه‌ی رفتار کودکان منظم‌تر خواهد دید. به باور او، شبکه‌های اجتماعی نیز باید از عرصه‌ی تذکر ناهنجاری‌ها به میدان ترویج رفتار درست تبدیل شوند. او افزود: فرهنگ ترافیکی را نمی‌توان با قانون نوشت، اما می‌شود با الگو نشان داد.

شهروند شنیده می‌شود؟

رشیدی در پاسخ به این پرسش که «آیا مردم در تصمیم‌گیری‌ها حضور دارند؟» گفت: ما هنوز فاصله‌ی زیادی با مشارکت واقعی داریم؛ در بسیاری از تصمیم‌ها مردم در جریان نتیجه قرار می‌گیرند، نه در فرآیند آن سهیم باشند.

او تأکید کرد: شوراهای محلی و نهادهای مردمی باید سهم واقعی در تصمیمات شهری داشته باشند، زیرا تنها از مسیر مشارکت، حسن تعلق تقویت می‌شود. وقتی شهروند احساس کند صدایش شنیده می‌شود، قانون را نه از ترس جریمه، بلکه از احترام به جمع رعایت می‌کند.

فرهنگ ترافیك؛ بازسازی از درون جامعه

در جمع‌بندی این گفت‌وگو، رشیدی معتقد است که مسیر بازسازی فرهنگ ترافیك از سه نقطه آغاز می‌شود: قانون، آموزش و مشارکت اجتماعی؛ قانون تا زمانی که در ذهن و قلب مردم ترجمه نشود، صرفاً متن است؛ آموزش بدون عمل اجتماعی دوام ندارد، و مشارکت بدون اعتماد شکل نمی‌گیرد.

به تعبیر او، ترافیك آینه‌ی رابطه‌ی مردم و مدیریت شهری است؛ اگر این رابطه مبتنی بر احترام و صداقت باشد، شهر آرام می‌شود.